

قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران در ابعاد منطقه‌ای (مؤلفه‌ها، دستاوردها و راه‌کارها)

محمد ملک‌زاده*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۶

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۱۲/۶

چکیده

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، در اهمیت یافتن مؤلفه‌هایی ریشه دارد که کیفیت تعامل نظام اسلامی با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را در عرصه‌ی دیپلماسی و سیاست خارجی ارتقا می‌بخشد. موقعیت این قدرت، زمانی تثبیت می‌گردد که جمهوری اسلامی بتواند زمینه‌ی نفوذ و پذیرش آن را برای بازیگران منطقه‌ای و یا بازیگران فرامنطقه‌ای تأثیرگذار در منطقه فراهم نماید. این هدف می‌تواند در قالب هنجارها، اصول و قواعدی تحقق یابد که از منظر افکار عمومی دارای مقبولیت بیش‌تری است. در این نوشتار بر اساس رویکرد سیستمی - به‌عنوان روش تحقیق و شیوه‌ی گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها - ابعاد نظری و عملی قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران را در منطقه‌ی مورد اشاره بررسی کرده و سپس در قالب تئوری «هاکس شومان» به کنکاش دربارهی راه‌کارهای تثبیت و تقویت این قدرت خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی:

رویکرد سیستمی، قدرت منطقه‌ای، قدرت نرم، قواعد و هنجارها، نظام اسلامی.

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره یازدهم
- زمستان ۹۴

قدرت نرم نظام
جمهوری اسلامی
ایران در ابعاد
منطقه‌ای (مؤلفه‌ها،
دستاوردها و راه‌کارها)
(۱۳۳ تا ۱۵۴)

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه
(Malekzadeh1350@gmail.com)

اندیشمندان سیاسی هنوز به توافقی جامع درباره‌ی مفهوم دانش‌واژه‌ی قدرت دست نیافته‌اند (عالم، ۱۳۸۰: ۸۹). برخی دلیل این امر را بدیهی و تجربی بودن این واژه دانسته‌اند (نای، ۱۳۸۷: ۹۵). تنها مروری بر تعاریف گوناگون موجود کافی است ما را به جایگاه مهم قدرت در زندگی اجتماعی و سیاسی رهنمون سازد؛ نظیر همان اهمیتی که به تعبیر *ولفرز* می‌توان به نقش پول در روابط اقتصادی داد (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۷۰) و یا نقشی که خورشید در منظومه‌ی شمسی ایفا می‌کند، از آن جهت که تمام جلوه‌ها و جنبه‌های سیاست خارجی و روابط بین‌المللی کشورها در اطراف قدرت دور می‌زند (عالم، ۱۳۸۰: ۸۸). در این میان اهمیتی که اندیشمندان سیاسی برای «قدرت نرم» به‌عنوان بخش خاصی از مقوله‌ی قدرت در تأثیرگذاری بر اهداف مورد نظر قائلند، بیش از سایر بخش‌هاست؛ زیرا این بخش بدون نیاز به اعمال زور موجب تأثیرگذاری غیرمستقیم در دیگران و جلب رضایت آنان می‌گردد (فروند، ۱۳۶۸: ۲۴۴). با توجه به اهمیت این بخش، مقاله حاضر درصدد بررسی قدرت نرم منطقه‌ای نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد سیستمی است. در این نوشته، منطقه‌ای که جمهوری اسلامی ایران در آن واقع شده، به‌همراه سایر کشورها و بازیگران این عرصه، یک سیستم منطقه‌ای تلقی می‌گردد. مجموعه‌ی عناصر این منطقه که در جایگاه زیرسیستمی از سیستم نظام بین‌الملل قرار گرفته‌اند، همگی تحت تأثیر مؤلفه‌های قدرت موجود در درون یا برون این سیستم می‌باشند. در این تحقیق بر مبنای نگرش سیستمی، که هرگونه تغییر و تحول در اجزای یک سیستم عملکرد کل سیستم را تحت تأثیر قرار خواهد داد، در صدد شناخت قدرت نرم یکی از عناصر مهم و تأثیرگذار منطقه – یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران – تبیین مؤلفه‌های آن و در نهایت بررسی چشم‌انداز آرمانی مورد نظر با استفاده از الگوی اسلامی و شیعی خواهیم بود. با توجه به تعریف *آنا تول راپوپورت*^۱ از مفهوم سیستم به: «کلیتی که به واسطه‌ی وابستگی متقابل اجزایش، به‌صورت یک کل عمل می‌کند» (دوئرتی و فالتز گراف، ۱۳۷۲: ۲۲۴) و نیز کاربرد این مفهوم در بررسی پدیده‌های اجتماعی، جامعه‌شناسان رفتار و روابط اجتماعی انسان‌ها را به‌عنوان عناصر یک سیستم در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند. برخی هم‌چون *ایمانوئل والرشتاین* بر نقش سیستم اقتصادی و سرمایه‌داری در ساختار روابط بین‌الملل تأکید دارند (wallerstein, 1979) و برخی دیگر نظیر *کنت والتس* به نقش سیستم سیاسی و امنیتی در این ساختار اهمیت می‌دهند (Kenneth, 1979). اندیشمندان روابط بین‌الملل

شرایط لازم برای شکل‌گیری یک سیستم منسجم و هم‌گرا را در وجود مؤلفه‌هایی هم‌چون: مرزهای مشترک جغرافیایی، وابستگی متقابل اقتصادی، تجانس اجتماعی و فرهنگی، و هم‌گرایی در نهادها و ایستارهای سیاسی می‌دانند.^۱ فقدان برخی از این شرایط، عملکرد سیستم را به‌عنوان یک کل، تحت تأثیر قرار خواهد داد. به‌عنوان مثال، دو کشور کره‌ی شمالی و کره‌ی جنوبی در شرق آسیا، برخی از شرایط یک سیستم منطقه‌ای مانند هم‌جواری جغرافیایی و تجانس فرهنگی و تاریخی را دارا هستند، اما به‌دلیل فقدان هم‌گرایی سیاسی و دارا بودن برخی متغیرهای بحران‌ساز، فاقد یک سیستم منسجم و هم‌گرا می‌باشند. به‌نظر «راسل/ایکاف» سیستم، مجموعه‌ای است که از دو یا چند عنصر^۲ تشکیل شده و دست‌کم از دو ویژگی اساسی برخوردار است:

۱. عملکرد هر عنصر در درون این سیستم، نقش موثری بر رفتار کل سیستم دارد. به‌عنوان مثال، عملکرد هر یک از اجزاء و عناصر بدن مانند قلب، کلیه و اجزاء دیگر بر عملکرد کل سیستم بدن تأثیرگذار است. بر همین اساس، می‌توان تأثیر عملکرد هر یک از بازیگران منطقه بر سایر بازیگران را مورد بررسی قرار داد؛ چنان‌که وقوع انقلاب اسلامی، منطقه و جهان را تحت تأثیر قرار داد.

۲. نوع رفتار و عملکرد هر عنصر به چگونگی رفتار عنصر یا عناصر دیگر وابسته است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت بین عناصر سیستم از نظر رفتاری، وابستگی متقابل وجود دارد. به‌عنوان مثال، در بدن انسان کم‌کاری کلیه‌ها عملکرد عناصر دیگر این سیستم را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد و به‌همین ترتیب، عملکرد هر یک از بازیگران منطقه یا محیط بین‌الملل بر عملکرد سایر بازیگران تأثیرگذار خواهد بود؛ چنان‌که تلاش ملت ایران در کسب استقلال و رهایی از وابستگی به‌قدرت‌های جهانی، دشمنی آنان با انقلاب اسلامی از طریق تحمیل جنگ، گسترش تحریم‌ها و ... را در پی داشت (رک؛ ایکاف، ۱۳۸۴).

در ادامه، با بررسی ابعاد نظری و عملی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک عضو تأثیرگذار در سیستم منطقه‌ای، به تبیین نقش و جایگاه این کشور در تعامل با اجزای دیگر در درون این سیستم خواهیم پرداخت. در ابعاد نظری، مؤلفه‌هایی از قدرت نرم جمهوری اسلامی مورد توجه قرار خواهند گرفت که در بعد ذهنی، نظری و اندیشه‌ای به‌عنوان یک شاخصه‌ی قدرت نرم به‌شمار می‌آیند؛ درحالی‌که در ابعاد عملی به نتایج و

1. www.arena.uio.no/publications/wp91-96.

2. Element.

دستاوردها و تغییر و تحولات عینی و عملی، که تحت تأثیر جمهوری اسلامی ایران در منطقه به وجود آمده‌اند، اشاره خواهد شد.

ابعاد نظری قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه

جمهوری اسلامی ایران به دلیل برخورداری از تمدنی قدرتمند و کهن، و با تلفیقی از قدرت سخت و نرم به خوبی توانسته است خود را به یک قدرت مهم منطقه‌ای، بانفوذ و تأثیرگذار در سیستم منطقه‌ای و جهانی تبدیل نماید. ایستادگی و مقاومت در برابر فشارهای گوناگون و تهدیدات گسترده‌ی سخت و نرم قدرت‌های غربی، از قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی در عرصه‌ی بین‌الملل حکایت می‌کند. این قدرت علاوه بر موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و رشد شاخص‌های فناوری و علمی داخلی، الهام گرفته از رسالت جهان‌شمول انقلاب اسلامی ایران می‌باشد و امواج بیداری انسانی و اسلامی و تلاش برای بازسازی تمدن اسلامی با تکیه بر خودباوری و انقلاب فرهنگی را در میان ملت‌های منطقه به‌راه انداخته است. ابعاد نظری قدرت نرم منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در مؤلفه‌هایی مورد توجه قرار داد که زمینه‌ی تحقق این قدرت را فراهم نموده‌اند:

۱- جایگاه مهم و تأثیرگذار ایران در منطقه

از دیرباز، ایران در منطقه‌ی خاورمیانه و خلیج فارس دارای موقعیت برتر در عرصه‌های ژئوپلیتیک (جغرافیای سیاسی)، ژئوکالچرال (جغرافیای فرهنگی) و ژئواکونومیک (جغرافیای اقتصادی) بوده است. موقعیت برتر جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ممتاز ایران در طول تاریخ کهن این سرزمین سبب شده است تا این کشور در عرصه‌ی سیاست خارجی خود، با اقوام مختلف تعاملات گسترده و غالباً سازنده و مسالمت‌آمیز داشته باشد (میرحیدر، ۱۳۷۷: ۲۲). واقع شدن ایران در منطقه‌ی بسیار مهم و استراتژیک خاورمیانه که به تعبیر «مکیندر»، هارتلند یا قلب زمین توصیف شده (دوئرتی و فالتز گراف، ۱۳۸۳: ۱۱۵-۱۱۷)، اهمیت آن را دو چندان نموده است. اهمیت این منطقه از چند جهت قابل توجه می‌باشد؛ نخست آن که محورهای بزرگ ارتباطی سه قاره‌ی آسیا، اروپا و آفریقا را به هم پیوند داده و به چهارراه بین‌المللی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان تبدیل شده است. دوم آن که بخش عظیم و قابل توجهی از ذخائر انرژی جهان در این منطقه واقع شده (حدود ۶۶ درصد از منابع نفت و ۳۰ درصد از منابع گازی جهان) و به این دلیل آن را در کانون توجهات قدرت‌های بزرگ قرار داده است (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۹۴-۹۷).

ایران در این منطقه و بین کشورهای آسیای جنوب غربی به‌عنوان پل ارتباطی میان قاره‌های مختلف می‌باشد و به دلیل برخورداری از موقعیت‌های مناسب سیاسی، اقتصادی و

فرهنگی، در اختیار داشتن منابع عظیم کانی و انرژی نفت و گاز، تنگه‌ی استراتژیک هرمز (محل عبور نزدیک به نیمی از انرژی جهان)، دسترسی به آب‌های آزاد و هر دو حوزه‌ی نفت و گاز خلیج فارس و دریای خزر، نقش محوری قدرت‌مندی در منطقه‌ی خاورمیانه و خلیج فارس ایفا می‌نماید. از نظر فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران در مرکزیت جهان اسلام قرار گرفته و به‌دلیل پیوند عمیق فکری و فرهنگی با مردمان کشورهای این منطقه، روند تحولات مذهبی و اعتقادی را تحت تأثیر قرار داده است.

۲- پراکندگی زبان و ادبیات فارسی در منطقه

زبان فارسی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی هویت ایرانی؛ با برخورداری از واژگان عربی، یونانی، ترکی، کردی، بلوچی، ترکمن، مغولی، هندی، روسی و... که رد پای اقوام و فرهنگ‌های مختلف را در خود جای داده - دارای جایگاهی فراتر از فلات ایران است. زبان و ادبیات فارسی طی سالیان طولانی در بخش‌های مهمی از آسیا و سواحل دریای سیاه تا کناره‌های خلیج بنگال، از آسیای مرکزی تا آسیای صغیر، استعمال می‌شده است. این زبان در حال حاضر به‌عنوان زبان رسمی ایران و تاجیکستان و یکی از زبان‌های رسمی افغانستان، دارای گویش‌وران فراوانی در کشورهای منطقه و جهان می‌باشد (هرسپج و تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

۳- جایگاه ممتاز انقلاب و رهبری نهضت در منطقه

انقلاب اسلامی به‌دلیل برخورداری از سه ویژگی مهم: دینی و مردمی بودن و شخصیت ممتاز رهبری، انقلابی مستقل، بدیع و منحصربه‌فرد در دوران معاصر به‌شمار می‌آید. با پیروزی انقلاب اسلامی، مردم مسلمان و آزاده‌ی بسیاری از کشورهای منطقه ضمن ابراز خشنودی از این واقعه و برقراری ارتباط عمیق عاطفی و قلبی با رهبری انقلاب، خود را پیرو افکار، آرمان‌ها و فرامین ایشان و دوست‌دار انقلاب اسلامی معرفی کردند. «فواز جرجیس» با تأکید بر جایگاه ممتاز انقلاب و رهبری نهضت در منطقه می‌گوید:

وجود بیش از پنجاه هزار سایت در مورد امام خمینی و ایران اسلامی و صدها کتاب، مقاله و پژوهش درباره‌ی موضوع انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که ایران اسلامی چگونه ذهن غرب را به‌خود مشغول کرده است و این درحالی است که قبل از پیروزی انقلاب، ایران تنها در بین برخی دولت‌مردان و سیاست‌مداران رده بالا و برخی کمپانی‌های فروش اسلحه شناخته شده بود (جرجیس، ۱۳۸۲: ۶۹).

۴- نفوذ روحانیت و مرجعیت ایران در میان شیعیان منطقه

از دیرباز، روحانیت و مرجعیت ایران با شیعیان خارج از کشور ارتباط داشته و این ارتباط به طرق مختلف، از جمله تبادل وجوهات شرعیه استمرار یافته است. گراهام فولر با اشاره به نفوذ روحانیت و مرجعیت ایران در میان شیعیان عراق و لبنان از دوران قبل از انقلاب اسلامی و نقش منحصربه‌فرد این عامل در شکل دادن به اجتماعات شیعه در این کشورها می‌نویسد:

جست‌وجو در تاریخچه‌ی سلسله پهلوی برای یافتن نشانه‌های جدی علاقه‌ی سیاسی به شیعیان لبنان و یا ایفای هرگونه نقشی در جهت گسترش علایق ایران در مدیترانه شرقی بیهوده است. به‌نظر می‌رسد که مانند همیشه، این روحانیت - نهادی کاملاً مجزا و قائم به‌ذات در ایران - بود که پیوندهای جمعی میان ایران و اجتماعات مهم شیعه در عراق و لبنان را ادامه داد و نیرو بخشید (ظهیری نژاد، ۱۳۸۲: ۱۱۹-۱۲۰).

۵- سیاست خارجی اسلامی؛ جامع اصول الهی و انسانی

جوزف نای سیاست خارجی را در صورت جذائیت، از مهم‌ترین منابع قدرت نرم هر کشور به شمار آورده است.^۱ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر مبانی تشیع، واجد اصول و ویژگی‌های جامعی است که آنرا از نظام‌های غیر الهی ممتاز نموده و به آن جذائیت بخشیده است:

۵-۱- اصل مقابله با ظلم و بی‌عدالتی

از دیدگاه اسلام، شکل‌گیری هرگونه روابط ظالمانه در عرصه‌ی حیات بشری ممنوع است. نظام اسلامی - ولو در جایگاه یک قدرت بلامنازع و برتر قرار بگیرد - هرگز نمی‌تواند مجری سیاست‌های ناعادلانه باشد و البته سکوت در برابر ظلم و بی‌عدالتی را نیز نمی‌پذیرد (بقره، ۲۷۹). در جهان‌بینی اسلامی، ظلم از جانب هرکس و نسبت به هر ملتی که اعمال گردد، محکوم است. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران تأکید داشت: «ما آن‌طور نیستیم که وقتی زور پیدا کردیم، با قلدری بخواهیم در یک کشور دیگری دخالت کنیم. ظلم و تجاوز و تعدی در قاموس فرهنگ اسلامی جایگاهی ندارد» (امام، ۱۳۷۹، ج ۱۶: ۳۹۱). وجود این اصل، جذائیت خاصی به سیاست خارجی نظام اسلامی بخشیده، و توجه به این موضوع که کشور ایران با الهام از دستورات اسلامی در طول قرن‌ها، نه به‌هیچ‌کسوری

1. Joseph Nye, The paradox of American power, oxford university press, 2004, p.25.

تجاوز نموده و نه تسلیم متجاوزان گردیده است، قدرت نرم این نظام را به‌ویژه نزد ملت‌های مظلوم و آزاده‌ی جهان نمایان می‌سازد.

۲-۵- اصل مسالمت‌جویی و صلح‌طلبی

مقابله با ظلم و بی‌عدالتی، مقدمه‌ی استقرار صلح و آرامشی پایدار در عرصه‌ی جهانی است. بی‌عدالتی، بستر بحران و ناامنی و جنگ و خشونت را فراهم می‌آورد. از این‌رو اسلام با تأکید بر محو ظلم و مقابله با ظالم، به آرامش پایدار حیات بشری می‌اندیشد. دین اسلام با قراردادن همه‌ی پیروان اهل کتاب در یک امت واحده (انبیاء، ۹۲) و دعوت از آنان جهت تأکید بر اصول مشترک میان خود، انگیزه‌ی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را میان تمام خدایپرستان از هر دین و مکتبی به‌وجود آورده است (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۴۸۱-۴۸۲). در اسلام، خداوند به مسلمانان اجازه نمی‌دهد متعرض غیرمسلمانانی شوند که به‌دنبال جنگ با مسلمانان نیستند (نساء، ۹۰). جمهوری اسلامی ایران برخلاف تبلیغات دشمنان، همواره ثابت نموده به‌دنبال جنگ نبوده است.

۳-۵- دفاع از حقوق مسلمانان

در منطق اسلام، مسلمانان به‌منزله‌ی یک امت واحده تلقی می‌شوند و هر جا مسلمانی مورد ظلم و ستم واقع شود، بر مسلمانان دیگر واجب است به یاری مظلوم بشتابند و در صورت امکان، حق او را از ظالم بستانند. آیات و روایات متعددی بر این مضمون وارد شده است. در اسلام صرف نظر از هرگونه مرزبندی جغرافیایی، همبستگی عمیقی میان مسلمانان در هر نقطه از جهان که ساکن باشند، وجود دارد. پیامبر اسلام با تشبیه مؤمنان به یک پیکره واحد می‌فرماید: «حکایت مؤمنان در دوستی و مهربانی‌شان چون اعضای یک پیکر است؛ وقتی یکی از ایشان رنجور شود، دیگران به مراقبت و حمایت از او هم‌داستان می‌شوند» (پاینده، ۱۳۶۱: ۲۷۱۲). دستور الهی به تعاون و همکاری در کار نیک، در وجود همین همبستگی عمیق اسلامی است که مسلمانان را در کلیه‌ی امور و شئون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... که بر اساس تقوا و نیکی قرار گرفته باشد، موظف به همیاری نموده است (مائده، ۲). در حدیث نبوی، همگان مسئول یک‌دیگر شناخته شده‌اند و پیامبر اکرم تأکید فرموده‌اند که هر کس صدای مسلمانی را بشنود که دیگر مسلمانان را به کمک می‌طلبد و پاسخی ندهد، مسلمان نیست (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۶۴).

بنابراین، دفاع از حقوق مسلمانان و بی‌تفاوت نماندن در برابر ظلم‌ها و قتل‌عام‌ها و حق‌کشی‌ها که تاریخ بشر همواره شاهد آن بوده است، از اصول مورد تأکید اسلام و تشیع

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره یازدهم
- زمستان ۹۴

قدرت نرم نظام
جمهوری اسلامی
ایران در ابعاد
منطقه‌ای (مؤلفه‌ها،
دستاورد‌ها و راه‌کارها)
(۱۳۳ تا ۱۵۴)

است و همین اصل یکی از پایه‌های سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته است (قانون اساسی، اصل ۱۵۲).

۴-۵- تاکید بر روابط برادرانه با کشورهای اسلامی

حضرت امام(ره) با اعتقاد بر این که نظام اسلامی با ماهیت ایدئولوژیک خود باید همواره وحدت و اتحاد با ممالک اسلامی را برای تحقق اهداف و آمال عالی اسلام مدنظر قرار دهد، در مقاطع مختلف بر ضرورت وحدت، اتحاد و دوستی میان کشورهای اسلامی تأکید می‌ورزیدند:

ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه‌ی ما که برنامه‌ی اسلام است، وحدت کلمه‌ی مسلمین است؛ اتحاد ممالک اسلامی است؛ برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمامی نقاط عالم؛ هم‌پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان (امام، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۳۳۶)... ما دست برادری به تمام ملت‌های اسلامی می‌دهیم و از تمام آنان برای رسیدن به هدف‌های اسلامی استمداد می‌کنیم (همان، ج ۷: ۱۷۰).

۵-۵- روابط انسان‌دوستانه با کشورهای غیراسلامی غیرمتخاصم

اصل اولیه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، رابطه‌ی غیرخصمانه با همه‌ی کشورها - اعم از اسلامی یا غیراسلامی - بر اساس حفظ احترام متقابل و مشروط به عدم مداخله آنان در امور داخلی است (قانون اساسی، اصل ۱۵۲). حضرت امام(ره) در موارد متعدد با اشاره به این نکته می‌فرمودند:

ما می‌خواهیم روابط دوستانه با همه‌ی کشورها داشته باشیم؛ مادام که آن‌ها در امور داخلی ما مداخله نکنند (همان، ج ۵: ۴۸۸)... دولت اسلامی با همه‌ی ملت‌ها و با همه‌ی دولت‌ها می‌خواهد که تفاهم و ارتباط صحیح داشته باشد، در صورتی که آن‌ها متقابلاً احترام دولت اسلامی را مراعات کنند (همان، ج ۸: ۱۸).

۶-۵- اصل استقلال و نفی سلطه

بررسی متون اسلامی نشان می‌دهد که در منطق اسلام، سلطه‌جویی، ولو در اوج قدرت نظامی و سیاسی پذیرفته نیست. این امر در قالب هر عنوانی که عامل سلطه بر اساس آن، درصدد اثبات برتری خود بر دیگران و اعمال زور بر آنان برآید، محکوم است (حجرات، ۱۳). از سوی دیگر، اسلام سلطه‌پذیری را نیز رد می‌کند؛ بر همین اساس، قانون اساسی بر نفی هرگونه «سلطه‌جویی» و «سلطه‌پذیری» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

تأکید نموده است (قانون اساسی، اصل ۱۵۲). به این دلیل جمهوری اسلامی با حفظ الگوی مستقل اسلامی توانسته است، نفوذ مؤثری در قلوب ملت‌های منطقه و انسان‌های آزاده داشته باشد.

۷-۵- اصل اتحاد اسلامی

وحدت و یک‌پارچگی از مسایل اصولی اسلام و از معیارهای اصیل قرآنی است که مسلمانان را حول محور الهی به دعوت فرا خوانده است (آل عمران، ۱۰۳). بر این اساس، جمهوری اسلامی نیز همواره منادی وحدت و اتحاد مسلمانان جهان بوده است. برخی از تلاش‌های انجام گرفته در این رابطه را می‌توان در تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، نام‌گذاری هفته وحدت، برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی با موضوع وحدت، و پیام‌ها و رهنمودهای سازنده‌ی مسئولان ارشد جمهوری اسلامی در تأکید بر وحدت جهان اسلام و امت اسلامی عنوان نمود.

تأکید بر اصول فوق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، با توجه به آن که این اصول در میان ملت‌های منطقه و بسیاری از آزادی‌خواهان جهان از جذابیت و پذیرش بالایی برخوردار می‌باشد، ایران را از نگاه ملت‌ها به یک بازیگر کلیدی و مهم در جهان اسلام تبدیل کرده است. در مجموع می‌توان بعد نظری قدرت نرم نظام اسلامی در عرصه‌ی سیاست خارجی را ناشی از احساس مسئولیت نسبت به نوع بشر دانست. بر مبنای همین پیشش، اصل ۱۵۴ قانون اساسی تأکید می‌کند نظام جمهوری اسلامی سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه‌ی مردم جهان می‌شناسد.

۶- مقبولیت ذهنی شعارها و آرمان‌های انقلاب و نمادهای تشیع

یکی از نشانه‌های تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزهای این کشور، مقبولیت شعارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی است. تأکید بر استقلال و آزادی، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و مبارزه با تبعیض، از شعارهای بزرگ انقلاب اسلامی ایران است که نزد آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان جهان مقبولیت دارد. هم‌چنین استفاده از آموزه‌ها و نمادهای سمبلیک مذهب تشیع از سوی بسیاری از جریانات مبارز اسلامی نشان از هم‌سویی و الهام‌پذیری آنان از نهضت انقلاب اسلامی ایران دارد که براساس همین نمادها شکل گرفته بود. ماگنوس رانستروپ با اشاره به جایگاه این نمادها در میان جنبش حزب‌الله لبنان می‌نویسد:

«حزب الله ... به رویدادهای سمبلیک شیعه، خصوصاً مراسم عاشورا، متوسل

می‌شد و بر اساس آن، شور انقلابی برای مبارزه با استبداد، محرومیت و

بی‌عدالتی اجتماعی را تحریک می‌کرد...» (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۸۸).

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره یازدهم
- زمستان ۹۴

قدرت نرم نظام
جمهوری اسلامی
ایران در ابعاد
منطقه‌ای (مؤلفه‌ها،
دستاوردها و راه‌کارها)
(۱۳۳ تا ۱۵۴)

در این راستا هم‌چنین می‌توان از بزرگداشت روزهای نمادین تعیین‌شده توسط جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف نام برد. به عنوان مثال، روز قدس - که به ابتکار و دعوت حضرت امام(ره) برای اعلام انزجار عمومی از اشغال‌گران صهیونیسم تعیین شد - همه‌ساله در بسیاری از کشورهای جهان با شرکت گروه‌ها و جریان‌های مختلف به صورت باشکوهی برگزار می‌شود. این امر هم‌بستگی بیش‌تر میان ملت‌های مسلمان منطقه با جمهوری اسلامی ایران را فراهم نموده است.

۷- پراکندگی ایرانیان و پیروان تشیع در منطقه

حضور ایرانیان در مناطق مختلف، به دلیل انتقال و گسترش فرهنگ ایرانی - اسلامی و دفاع از حیثیت و ملیت ایرانی، می‌تواند به‌عنوان عاملی در تولید و افزایش قدرت نرم ایران قلمداد شود. تجربه‌ی تاریخی ایران مبنی بر حضور علما و اندیشمندان ایرانی در کشورهای منطقه، تأییدی بر این ادعا و انتقال قدرت نرم تشیع از ایران به این مناطق است. در واقع می‌توان گفت یکی از دلایل مهم قدرت نرم ایران در کشورهایمانند عراق و لبنان، وجود ایرانیانی است که در سالیان گذشته به این کشورها مهاجرت کرده و اکنون زمینه‌ی تعامل و ارتباط فرهنگی میان ایران با کشورهای مذکور را تسهیل نموده‌اند. بدون شک، مطالعه‌ی قدرت نرم ایران در کشوری مانند عراق و بررسی دلایل تعامل فرهنگی نزدیک میان دو کشور، بدون توجه به وجود ایرانیان و علمای ایرانی مقیم عراق نتایج دقیقی به دنبال نخواهد داشت. به‌همین دلیل «ولی نصر» با استناد به وجود علمای ایرانی در عراق، تلاش‌های آمریکا در راستای تضعیف قدرت ایران از طریق ایجاد اختلاف میان ایران و اعراب را بی‌فایده توصیف کرده و به آمریکا توصیه می‌کند که باید ایران را به‌عنوان یک قدرت روبه‌رشد در منطقه بپذیرد و با آن کنار آید:

دشمنی‌های قومی بین اعراب و فارس‌ها زمانی که بزرگ‌ترین رهبر مذهبی عراق یعنی آیت الله سیستانی، ایرانی است، مهم به‌نظر نمی‌رسد. آمریکا باید بپذیرد که ایران در حال ایفای نقش یک قدرت منطقه‌ای است و باید به‌جای تلاش در سرنگونی رژیم تهران، با آن کنار آمده و مذاکرات را با رهبران ایران آغاز کند (گزارش جمهور، ۱۳۸۷، ش ۲۶-۲۷: ۲۵).

۸- جاذبه‌های ملی و مذهبی (سیاحتی - زیارتی) ایران

کشور ایران دارای جاذبه‌های سرزمینی و مذهبی فراوانی است. جاذبه‌های دیدنی ایران را دست کم می‌توان در چهار موضوع مربوط به: «تنوع اقلیمی و طبیعت زیبا»، «هنر و معماری ایرانی»، «مراکز ملی و باستانی» و «مراکز فرهنگی و مذهبی» مورد بررسی قرار

داد. این جاذبه‌ها، سالانه میلیون‌ها نفر از کشورهای مختلف منطقه و جهان در قالب توریست، جهانگرد و زائران اماکن مذهبی را به خود جذب می‌نماید (مراسلی، ۱۳۷۴: ۸).

۹- فرهنگ انعطاف‌پذیر ایران

یکی از ویژگی‌های فرهنگ ایرانی این است که در عین برخورداری از حس خودآگاهی و حفظ ثبات هویتی، دارای نرمش و انعطاف‌پذیری در برابر فرهنگ‌های دیگر است. این ویژگی باعث دادوستد و تعامل سازنده‌ی فرهنگ ایرانی با فرهنگ‌های دیگر شده و آن‌را در مسیر رشد و کمال هدایت نموده است. به نظر می‌رسد چنین خصوصیتی از ویژگی‌های مثبت یک فرهنگ به‌شمار آید؛ زیرا با پرهیز از جمود و تحجر و عدم تعصب نسبت به حفظ مؤلفه‌های نامناسب و اخذ آموزه‌های مناسب و بلندپایه از فرهنگ‌های دیگر، مسیر ارتقا و پیشرفت خود را هموار می‌سازد. به تعبیر یکی از نویسندگان:

فرهنگ ایرانی در طول تاریخ تحول خود، همیشه از فرهنگ‌هایی که از جهت پیچیدگی و کارایی در سطح بالاتر از فرهنگ خودی بوده‌اند، آموزش گرفته؛ و به فرهنگ‌هایی که برعکس از این جهت در سطح فروپایه‌تری بودند، آموزش فرهنگی داده است. اصل «بیاموز و بیاموزان» پیوسته در تاریخ تحول فرهنگی ایران در کار بوده و در جهت غنی‌سازی فرهنگ خودی و نیز فرهنگ‌های غیرخودی عمل کرده است (ثلاثی، ۱۳۸۰: ۲۴۲).

ابعاد عملی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه

ابعاد عملی قدرت نرم منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را به دلیل ماهیت فراملی این پدیده و ارائه ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و انسانی، می‌توان در دستاوردهای مثبت فراوانی مشاهده کرد که تغییر و تحول در نظم سیاسی - اجتماعی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به دنبال داشته است:

۱- گرایش به دین و معنویت‌گرایی

از مهم‌ترین آثار و پیامدهای انقلاب اسلامی، احیای نقش دین، معنویت‌گرایی و تضعیف و تزلزل در گفتمان سکولاریسم بوده است. بر اساس نظریه‌ی سکولار - که تا پیش از انقلاب اسلامی به‌عنوان نظریه‌ی غالب، در میان کشورهای منطقه تبلیغ می‌گردید - به دین به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در اداره‌ی امور بین‌الملل و تدوین و اجرای سیاست خارجی نقشی داده نمی‌شد؛ زیرا در نظریه‌های توسعه‌ی غربی که غالباً مبتنی بر الگوی توسعه و نوسازی مادی بوده‌اند، مدرنیته و توسعه‌ی اجتماعی به‌صورت اجتناب‌ناپذیر با سکولار شدن همراه بوده است (وایت، لیتل و اسمیت، ۱۳۸۱: ۶). اما انقلاب اسلامی با آوردن دین

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره یازدهم
- زمستان ۹۴

قدرت نرم نظام
جمهوری اسلامی
ایران در ابعاد
منطقه‌ای (مؤلفه‌ها،
دستاوردها و راه‌کارها)
(۱۳۳ تا ۱۵۴)

به متن جامعه، الگوی توسعه‌ی غربی مبتنی بر دنیاگرایی افراطی را زیر سؤال برد. میشل فوکو با قرار دادن انقلاب اسلامی در قالب «معنویت‌گرایی سیاسی» تأکید می‌کند که این اتفاق در حالی روی داد که قرن‌هاست عنصر معنویت در غرب به فراموشی سپرده شده است (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۱۲). انقلاب اسلامی هم‌چنین، نظریه‌های مارکسیستی را نیز دچار تزلزل ساخت؛ زیرا بنیان نظریه‌های مارکسیستی بر ضدیت با دین بنا شده است و از این نظر می‌توان نقش انقلاب اسلامی در فروپاشی بلوک شرق کمونیست را نیز مورد تأکید قرار داد (ملکوئیان، ۱۳۸۹: ۴۱-۶۹).

۲- تغییر و تحول در نظریه‌های انقلاب

تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی، عمده‌ی نظریات انقلاب، دارای رویکرد ساختارگرایانه و تا حدودی قابل تطبیق بر انقلاب‌های موجود در جهان بود. به عنوان مثال؛ بر اساس نظریه‌ی مشهور خانم اسکاچیول، انقلاب، پدیده‌ای خارج از اراده‌ی افراد بود، اما انقلاب اسلامی با عبور از این تئوری‌های ساختارگرایانه ثابت کرد که انقلاب می‌تواند ساخته شود (فراتی، ۱۳۷۷: ۱۸۴). فرد هالییدی با بررسی نقش انقلاب‌های بزرگ در روابط بین‌الملل و نظریه‌های بین‌الملل تأکید می‌کند که انقلاب اسلامی بیش از انقلاب‌های روسیه و فرانسه فرا ملی‌گرا بوده و اهداف فراملی را پی‌گیری کرده است (halliday, 1999). در مجموع، انقلاب اسلامی ایران باعث گردید شرایط جدیدی در نظریه‌پردازی‌های مربوط به انقلاب به‌وجود آمده و متغیرهای نوینی در این عرصه نمودار گردد. در این رابطه بسیاری از نظریه‌هایی که بر پایه‌ی تجارب انقلاب‌های پیشین قرار داشت، قابلیت خود را در تحلیل انقلاب اسلامی از دست داد و در چارچوب حوزه‌ی سیاسی اجتماعی ایران در معرض رد و تردید و یا ترمیم و بازنگری قرار گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جنبش‌ها و تحركات فراوانی در منطقه، مانند فلسطین و عراق و لبنان با الهام از انقلاب ایران پدیدار گردید که هم‌چون انقلاب اسلامی در قالب تئوری‌های ساختارگرایانه‌ی موجود نمی‌گنجید.

۳- شکل‌گیری جنبش‌های جهادی فلسطین و حزب‌الله لبنان تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از جنبش‌های انقلابی تحت تأثیر نهضت اسلامی ایران شکل گرفت یا گسترش یافت. این انقلاب، نقش مؤثری در بیداری و نهضت اسلامی نوین فلسطین اشغالی، به‌ویژه در نوار غزه و کرانه باختری رود اردن داشته است. انقلاب اسلامی هم‌چنین نقش اصلی را در شکل‌گیری جنبش انقلابی حزب‌الله لبنان برعهده داشته است. در سال‌های اولیه‌ی پس از پیروزی انقلاب، با حمله‌ی رژیم اشغال‌گر قدس به خاک

لبنان و درخواست کمک گروه‌های لبنانی و فلسطینی از ایران، سپاه پاسداران با برگزاری دوره‌هایی، آموزش نظامی و عقیدتی گروه‌های داوطلب فلسطینی و شیعیان لبنانی را عهده‌دار شد. بسیاری از کادرها و روحانیون و رهبران حزب‌الله - از جمله شهید سیدعباس موسوی که دبیر کل حزب‌الله شد - در این دوره‌ها شرکت کردند. این امر علاوه بر ایجاد آمادگی نظامی، در انتقال افکار و اندیشه‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره) به این جنبش و حتی شکل‌گیری انقلاب فرهنگی در مناطق مختلف لبنان مؤثر بود (رایت، ۱۳۷۲: ۶۳-۶۴).

۴- احیای هویت اسلامی در راستای بازسازی تمدن اسلامی

انقلاب اسلامی ایران در زمانی به‌وقوع پیوست که اکثر نظریه‌پردازان و جامعه‌شناسان از فروکاستن دین به‌سطح فردی و عدم توانایی آن در اداره‌ی جامعه سخن می‌راندند. این امر، نه فقط در جوامع غربی و سکولار، که در جوامع اسلامی نیز به‌نوعی به یک باور عمومی تبدیل شده بود. انقلاب اسلامی با دگرگون‌ساختن این نگرش، هویت جامعه‌ی اسلامی را احیا و بازسازی نمود و دین را به زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ی اسلامی وارد ساخت.

انقلاب اسلامی از رهگذر احیای ارزش‌های الهی و انسانی و تحکیم مبانی مردم‌سالاری دینی و بسط و گسترش آن، موجبات شکوفایی و بالندگی تمدن اسلامی را فراهم آورد. این انقلاب با ترویج فرهنگ و تفکر استقلال‌محور در جهان اسلام؛ نه تنها توانست نوعی خودباوری فرهنگی و استقلال‌اندیشه‌ای را برای مسلمانان به ارمغان آورد، بلکه تمدن اسلامی را به‌عنوان یک اسلوب قدرت‌مند در برابر مدعیان جهان‌شمولی تمدن غربی مطرح نمود. «*زباین رایت*» تحلیل‌گر و روزنامه‌نگار مشهور آمریکایی با اشاره به تجدید حیات اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فروپاشی کمونیسم را نشانه‌ی دیگری بر موفقیت‌الگوی نظام اسلامی در پیروزی بر مخالفان دانسته و می‌نویسد:

سیزده سال پس از آن‌که اولین حکومت مذهبی مدرن جهان با انقلاب ایران پایه‌گذاری شد، اسلام بار دیگر به‌عنوان یک اسلوب سیاسی قدرت‌مند مطرح شده است. ... موج جدید تجدید حیات اسلام، چنان فراگیر است که با مرگ کمونیسم، اسلام یکی از رقیبان ایدئولوژیک آینده‌ی غرب تلقی می‌شود (رایت، ۱۳۷۴: ۱۳).

«*زبرت استایدر*» نیز با تأکید بر نقش انقلاب اسلامی در مبارزه با نظم هژمونیک لیبرال، به رهبری آمریکا، این انقلاب را عامل احیای اسلام سیاسی و شکل‌گیری

جنبش‌های اسلامی در منطقه می‌داند که نظم و نظام بین‌الملل لیبرال سکولار موجود را به‌چالش طلبیده‌اند (Snyder, 1999: 43).

راه‌کارهای تثبیت و تقویت قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

با توجه به مؤلفه‌ها و دستاوردهای قدرت نرم جمهوری اسلامی، این نظام را می‌توان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای به حساب آورد. تثبیت و تقویت این قدرت در حله جایگاه رهبری منطقه، نیازمند در پیش گرفتن سیاست‌ها و اقدامات لازم است. بر اساس تئوری ماکس شوومان^۱ چند پیش شرط برای قرار گرفتن نظام جمهوری اسلامی در جایگاه رهبری بلامنزاع منطقه‌ای می‌تواند مورد توجه قرار گیرد (Schoeman, 2003-2004: 353):

۱. رشد و پویایی داخلی

رشد سیستم سیاسی و اقتصادی، از جمله لوازم تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای است. پویایی داخلی نظام جمهوری اسلامی در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی را می‌توان نتیجه‌ی در پیش گرفتن سیاست‌هایی برای افزایش کارآمدی و مشروعیت سیاسی و نیز انجام اصلاحات اقتصادی در راستای مبارزه با فقر و فساد و رانت‌خواری، گسترش عدالت اقتصادی، حمایت از تولید ملی و افزایش امنیت اقتصادی و اصلاح نظام اجتماعی تلقی نمود.

۲. تمایل^۲ به نقش رهبری

در سیستم نظام بین‌الملل، برخی کشورها مانند انگلستان، آلمان و فرانسه به‌دلایلی هم‌چون در پیش گرفتن سیاست توازن قدرت، ظاهراً هیچ تمایلی به تلاش برای کسب قدرت هژمونی در منطقه ندارند. آنان در شرایط موجود ترجیح می‌دهند منافع خود را در هم‌گرایی برای تبدیل شدن به یک بلوک قدرت‌مند منطقه‌ای جست‌وجو کنند؛ زیرا به‌درستی دریافته‌اند با توجه به شرایط موجود آن کشورها و عدم برتری آنها نسبت به یک‌دیگر، هرگونه تلاشی در جهت رسیدن به یک قدرت هژمونی در منطقه با شکست مواجه خواهد شد. اما وضعیت نظام جمهوری اسلامی متفاوت است؛ چراکه از یک‌سو این نظام به‌دلایلی هم‌چون موقعیت ممتاز جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی و نیز برخورداری از یک حاکمیت مستقل اسلامی و مردمی – که کشورهای دیگر منطقه فاقد آن می‌باشند – و از سوی دیگر به‌دلیل احساس تکلیف دینی و ملی در قبال تحولات منطقه، باید این انگیزه و

1. Maxi Schoeman.

2. Willingness.

تمایل را تقویت نماید؛ زیرا در غیر این صورت با توجه به وابستگی دولت‌های منطقه و تأثیرپذیری آنان از قدرت‌های جهانی، عدم تمایل به در اختیار گرفتن نقش رهبری، منافع نظام جمهوری اسلامی و ملت‌های مسلمان در معرض خطر قرار خواهد گرفت. با این حال به دلیل عدم ایجاد حساسیت‌های غیرضروری، لزومی ندارد این سیاست را با صراحت بیان نمود و به صورت آشکار در مسیر اجرایی نمودن آن گام برداشت. این سیاست باید با ظرافت خاص و از طریق جذب قلوب مردم منطقه و عدم ابراز خصومت آشکار با دولت‌ها پی‌گیری گردد.

۳. ارتقای ظرفیت و توانمندی^۱

تبدیل شدن به قدرت بزرگ منطقه‌ای و ایفا نمودن نقش رهبری منطقه، نیازمند برخورداری از ظرفیت و توانمندی‌های ویژه‌ای است. کشوری می‌تواند در جایگاه رهبری منطقه قرار بگیرد که ظرفیت‌هایش برای پذیرش این مسئولیت، بیش از سایر کشورهای منطقه باشد. در این نظام، هم‌چنین می‌بایست ظرفیت و آستانه‌ی تحمل نظام سیاسی افزایش یابد؛ زیرا لازمه‌ی مدیریت صحیح و ریاست موفق، داشتن سعه‌ی صدر و در پیش گرفتن سیاست مدارا با مردم است (رضی، ۱۳۸۷؛ حکمت ۱۷۶). یک نظام سیاسی با ظرفیت گسترده و آستانه‌ی تحمل بالا، از ثبات و تعادل بیش‌تری برخوردار خواهد بود. چنین نظامی هم‌چنین با پرهیز از اتخاذ سیاست‌های انفعالی از قابلیت بالایی برای تبدیل نمودن تهدیدات به فرصت‌ها برخوردار می‌باشد. چنین ظرفیتی باعث می‌شود تا نظام سیاسی، سیاست جذب حداکثری و دفع حداقلی را در دستور کار خود قرار داده و از این طریق قدرت نرم خویش را تثبیت نموده و ارتقا بخشد. این سیاست به‌ویژه می‌تواند متوجه جذب گروه‌هایی باشد که در فضای جنگ نرم قرار گرفته‌اند. جذب چنین افراد و گروه‌هایی در ساختار سیاسی، به افزایش مقبولیت نظام منجر گشته و جامعه‌پذیری سیاسی را ارتقا خواهد داد.

ارتقای ظرفیت و توانمندی یک سیستم سیاسی، منوط به عملکرد صحیح مکانیسم بازخورد در آن سیستم است. بازخورد، مکانیسمی در درون یک سیستم است که در واکنش به رخدادهای محیطی انجام می‌شود تا در برابر اتفاقات پیش‌آمده بهترین گزینه را انتخاب نماید. قدرت منطقه‌ای نظام جمهوری اسلامی ایران نیز تحت تأثیر نوع مکانیسم بازخورد در سیاست خارجی آن است. در این مکانیسم، نقش ولی‌فقیه به‌عنوان یک کنترل‌کننده‌ی نهایی و ناظر بر عملکرد کل سیستم و بازخوردهای آن بسیار حائز اهمیت

1. Capacity and ability.

می‌باشد؛ زیرا اساساً مکانیسم بازخورد برای عملکرد صحیح و ایده‌آل نیاز به یک مکانیسم کنترل‌کننده دارد و این کنترل باید در سلسله مراتب خود به ناظری منتهی شود که بر کل مجموعه سیستم احاطه دارد.

۴. مقبولیت و پذیرش^۱

یک قدرت برتر منطقه‌ای زمانی از قدرت واقعی برخوردار خواهد بود که با عملکرد مسئولانه در برقراری امنیت و کمک به رشد و شکوفایی و پیشرفت منطقه، بتواند مقبولیت خود را افزایش داده و به‌طور طبیعی از سوی کشورهای منطقه مورد پذیرش قرار گیرد. سیاست دینی اسلام و مکتب تشیع اقتضا می‌کند که نظام جمهوری اسلامی گرچه به‌لحاظ مؤلفه‌های سخت قدرت و تجهیزات نظامی برترین قدرت باشد، اما هیچ‌گاه نباید درصدد تحمیل قدرت خود بر دیگران و وادار کردن آنان به پذیرش رهبری برآید؛ بلکه باید چهره‌ای جذاب از نظام برای مخاطبان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ارائه گردد تا قدرت نظام، به‌صورت طبیعی مورد پذیرش قرار گیرد. نظریه‌پردازان قدرت نرم به‌دراستی معتقدند سیاست خارجی در صورتی که در نظر دیگران مشروع و جذاب جلوه کند، به‌عنوان منبع قدرت نرم تلقی می‌گردد (Nye, 2004: 11). جذابیت سیاست خارجی یک کشور با تعامل سازنده‌ی آن در روابط با کشورها تحقق خواهد یافت. جمهوری اسلامی بر اساس مبانی دینی و اعتقادات مذهبی خود و تکیه بر سه اصل: «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» می‌تواند ضمن تعامل سازنده با کشورها؛ چهره‌ی واقعی، جذاب و مقتدر یک نظام الهی و انسانی را نشان‌دهنده و زمینه‌ی پذیرش آن را فراهم آورد. در این‌جا می‌توان به برخی از سیاست‌های مورد توجه در این عرصه تأکید نمود:

۴-۱- اهتمام به دیپلماسی حمایتی و فعالیت‌های بشردوستانه

قدرت نرم از راه اقناع اذهان مخاطبان و با تحقق اهداف مطلوب انسانی حاصل می‌شود؛ از این‌رو می‌توان توجه به مسائل بشردوستانه را یکی از مؤلفه‌های افزایش قدرت نرم به‌شمار آورد. ایالات متحده همواره تلاش می‌کند از طریق کمک‌های مالی و جنسی به حادثه‌دیدگان بلایای طبیعی بر جذابیت خود در میان ملت‌های جهان بیافزاید. این اقدامات در راستای آرمان‌های دینی و باورهای مذهبی دین اسلام و نظام جمهوری اسلامی است، لذا بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران می‌فرمودند:

1. Acceptance.

ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۹۱).

سیاست متعالیه
• سال سوم
• شماره یازدهم
• زمستان ۹۴
قدرت نرم نظام
جمهوری اسلامی
ایران در ابعاد
منطقه‌ای (مؤلفه‌ها،
دستاوردها و راه‌کارها)
(۱۳۳ تا ۱۵۴)

نظام اسلامی در حد خود می‌تواند با انجام فعالیت‌هایی نظیر کمک‌های انسان‌دوستانه به گروه‌های تحت ستم و یا کشورهای مصیبت‌زده از حوادث طبیعی، در این راه گام‌های اساسی بردارد. اتخاذ دیپلماسی حمایتی از سوی جمهوری اسلامی در روابط بین‌الملل می‌تواند نتایج هم‌چون گسترش صلح و امنیت و عدالت، افزایش قدرت دیپلماتیک، گسترش ارزش‌های انسانی و معیارهای اخلاقی، تبلیغ آموزه‌های اسلامی، هم‌گرایی میان انسان‌ها، افزایش مقبولیت نظام، جلب افکار عمومی و بالاخره تضعیف نگرش‌های خصمانه علیه جمهوری اسلامی را به‌دنبال داشته باشد.

۲-۴- حضور فعال در مجامع عمومی و تعامل سازنده با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

امروزه نحوه‌ی تعامل با مجامع بین‌المللی و یا میزبانی سازمان‌های جهانی، به یکی از ابزارهای قدرت نرم کشورها تبدیل شده است. استقرار اکثر این سازمان‌ها در کشورهای هلند، بلژیک، سوئیس و ایالات متحده آمریکا، به‌عنوان عاملی در افزایش اعتبار و پرستیژ و قدرت نرم این کشورها به‌شمار می‌آید و بر قدرت تأثیرگذاری آن‌ها در روابط بین‌الملل می‌افزاید. حضور فعالانه نظام جمهوری اسلامی در مجامع بین‌المللی و یا میزبانی کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های مختلف؛ همراه با ارائه‌ی نظرات و پیشنهادات سازنده برای پیشبرد اهداف انسان‌دوستانه‌ای چون: مبارزه با تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی، حفاظت از محیط زیست، دفاع از آزادی و استقلال ملت‌ها و تلاش برای حل‌وفصل بحران‌ها و معضلات منطقه‌ای و جهانی، ضمن ناکام نهادن تلاش دشمنان برای انزوای جمهوری اسلامی، مقبولیت آن را نزد افکار عمومی نیز افزایش خواهد داد.

۳-۴- گسترش روابط و تعامل سازنده با کشورهای اسلامی

گسترش روابط و تعامل سازنده با ملت‌های اسلامی منطقه، مقبولیت نظام جمهوری اسلامی را در میان آنان افزایش خواهد داد. این سیاست از طریق مؤلفه‌هایی هم‌چون: تأکید بر اصول مشترک، گسترش همکاری‌های امنیتی - دفاعی، گسترش ارتباط و تعامل میان نخبگان سیاسی و شیعیان منطقه، و توسعه‌ی روابط اقتصادی قابل تحقق می‌باشد.

۴-۴- تحقق آرمان «هم‌گرایی سیاسی» در منطقه

از نگاه محققان، یک سیستم منطقه‌ای زمانی به‌طور کامل با عملکردی ایده‌آل شکل خواهد گرفت که با ایجاد وابستگی متقابل میان اجزای خود، بتواند به‌صورت یک

مجموعه‌ی منسجم و هم‌گرا عمل نماید (دوئرتی و فالتر گراف، پیشین). ایجاد هم‌گرایی سیاسی در منطقه، زمینه‌ی پذیرش و مقبولیت عمومی را نیز تقویت خواهد نمود؛ از این‌رو آرمان بلند جمهوری اسلامی باید بر اساس سیاست تحقق یک هم‌گرایی سیاسی در منطقه پایه‌ریزی گردد. این امر منافاتی با تمایل به نقش رهبری جمهوری اسلامی ایران در منطقه ندارد؛ زیرا یک عنصر برخوردار از مؤلفه‌های قوی قدرت نرم در منطقه، به‌طور طبیعی می‌تواند ضمن ایجاد پذیرش و مقبولیت عمومی، در جایگاه رهبری قرار گیرد و در عین حال، میان مجموعه‌ی عناصر درونی این سیستم، هم‌گرایی سیاسی نیز ایجاد نماید. گسترش الگوی بومی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مردم‌سالاری دینی) به‌عنوان مدلی برای قدرت‌سازی بازیگران منطقه‌ای، می‌تواند به تقویت پایه‌های اسلامی و مردمی نظام‌های سیاسی منطقه با جمعیت اکثریت مسلمان - که غالباً به‌صورت فردی و استبدادی اداره می‌شوند - منتهی گردد.

به‌طور خلاصه؛ جهت توضیح یافته‌های پژوهش حاضر در چارچوب نظریه‌ی سیستمی می‌توان گفت، جایگاه و نقش یک عنصر در سیستم، رفتار اجزا و مجموعه‌های دیگر و در نهایت کل سیستم را تحت تأثیر قرار خواهد داد. با توجه به ابعاد نظری و عملی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، این کشور به‌عنوان یک سیستم سیاسی بسیار مهم و تأثیرگذار در منطقه به‌شمار می‌آید که در تعامل با اجزای دیگر توانسته است از موقعیت منحصر به فردی در سیستم منطقه‌ای برخوردار گردد. بر مبنای نظریه‌ی سیستمی، افزایش قدرت و میزان تأثیر یک عنصر در درون سیستم، به‌نحوی تعامل بازیگران با یک‌دیگر و سپس مطالعه و بررسی بازخوردهای این مجموعه جهت رفع نواقص و نقاط ضعف احتمالی و تقویت نقاط قوت آن وابسته است. این موضوع در ارتباط با ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در بخش راه کارهای پژوهش حاضر مورد تأکید قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

«قدرت منطقه‌ای» اصطلاحی است که امروزه در تقسیم‌بندی قدرت دولت‌ها در روابط بین‌الملل رایج گردیده است. در این تقسیم‌بندی، قدرت کشورها بر اساس این که دارای موقعیت و جایگاه جهانی، فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای می‌باشند، مشخص گردیده و بر این اساس حوزه‌ی نفوذ آنان تعریف می‌شود. بر مبنای رویکرد سیستمی، منطقه از مجموعه‌ی کشورهای تشکیل می‌شود که هر کدام‌شان به‌عنوان عناصر یک سیستم عمل می‌نمایند و در عین حال، یک زیرسیستم در سیستم جهانی نیز به حساب آمده و تحت تأثیر آن قرار دارند. «قدرت منطقه‌ای» به بازیگری در سیستم منطقه اطلاق می‌شود که در این سیستم،

سیاست متعالیه

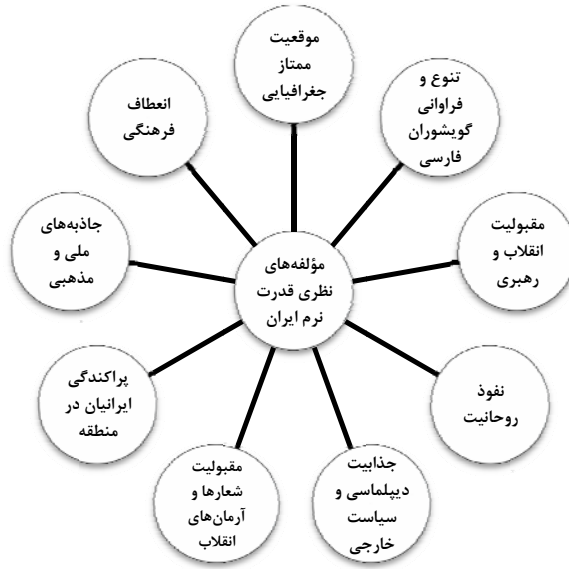
- سال سوم
- شماره یازدهم
- زمستان ۹۴

قدرت نرم نظام
جمهوری اسلامی
ایران در ابعاد
منطقه‌ای (مؤلفه‌ها،
دستاورد‌ها و راه‌کارها)
(۱۳۳ تا ۱۵۴)

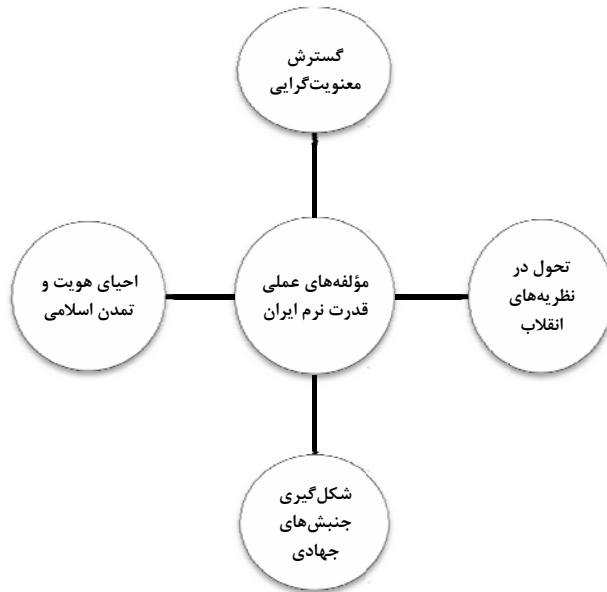
دارای جایگاه برتری از قدرت باشد. در یک منطقه ممکن است یک قدرت با بهره‌گیری از مؤلفه‌های سخت قدرت، جایگاه برترین و بی‌رقیب را به‌خود اختصاص دهد؛ چنان‌که ایالات متحده در آمریکای شمالی، و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز، به‌عنوان یک قدرت هژمون به‌حساب می‌آیند. اما برترین بازیگر در یک سیستم منطقه‌ای یا جهانی زمانی از قدرت واقعی برخوردار خواهد بود که به‌میزان قابل قبولی از مؤلفه‌های نرم قدرت بهره‌مند باشد و بازیگران این سیستم با رضایت، رهبری این قدرت را بپذیرند. جمهوری اسلامی ایران به‌دلیل موقعیت ممتاز جغرافیایی، فرهنگی و تمدن کهن تاریخی خود و نیز حاکمیت یک نظام الهی و مردمی در این کشور، از مؤلفه‌های قدرت نرم برای رهبری منطقه برخوردار است. این رهبری، اما به‌دلیل مخالفت قدرت‌های جهانی با نظام اسلامی و تأثیرات سیستم جهانی در زیرسیستم منطقه‌ای، با چالش‌هایی مواجه است. جمهوری اسلامی برای مقابله با این چالش‌ها، در گام نخست باید خود را به سطح مقبولی از رشد و پیشرفت سیاسی و شکوفایی اقتصادی برساند؛ سپس بتواند مقبولیت بیش‌تری نسبت به هنجارها و ارزش‌های مورد نظر خویش در منطقه پیدا کرده و نشان دهد که در حل و فصل منازعات منطقه‌ای نقش تأثیرگذاری داشته و می‌تواند نظم و امنیت منطقه را مدیریت نماید. بدون شک رسیدن به این مرحله، زمینه‌ی حمایت و پذیرش فرامنطقه‌ای و عبور از سیستم منطقه‌ای به سیستم جهانی - برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی - را نیز فراهم خواهد ساخت.

ضمیمه: نمودارها

فصلنامه
علمی
پژوهشی



نمودار شماره ۱ - مۇلفه‌ها

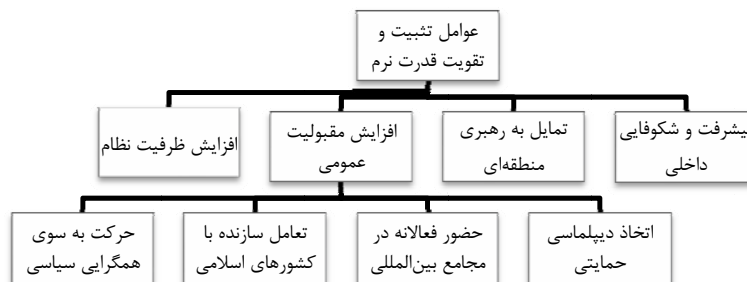


نمودار شماره ۲ - دستاوردها

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره یازدهم
- زمستان ۹۴

قدرت نرم نظام
جمهوری اسلامی
ایران در ابعاد
منطقه‌ای (مؤلفه‌ها،
دستاوردها و راه‌کارها)
(۱۳۳ تا ۱۵۴)



نمودار شماره ۳- راه‌کارها

منابع

۱. اسداللهی، مسعود (۱۳۸۲)، جنبش حزب‌الله لبنان؛ گذشته و حال، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۱)، (ترجمه و گردآوری) نهج‌الفصاحه، تهران، انتشارات جاویدان.
۳. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، بوستان کتاب.
۴. ثلاثی، محسن (۱۳۸۰)، جهان ایرانی و ایران جهانی، تهران، نشر مرکز.
۵. جرجیس، فواز (۱۳۸۲)، آمریکا و اسلام سیاسی، ترجمه: محمدکمال سروریان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. خمینی، امام (روح‌الله) (۱۳۷۹)، صحیفه نور، مجموعه آثار، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. _____ (۱۳۷۲)، ولایت فقیه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. دوئرتی، جیمز و فالتز گراف، رابرت (۱۳۸۳)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه: علی‌رضا طیب و وحید بزرگی، تهران، قومس.
۹. رایت، رابین (۱۳۷۲)، شیعیان؛ مبارزان راه خدا، ترجمه: علی اندیشه، تهران، نشر قومس.
۱۰. _____ (بهار ۱۳۷۴)، «اسلام، دموکراسی و غرب»، ترجمه علیرضا طیب، سیاست خارجی، شماره ۱.
۱۱. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶)، توسعه و تضاد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۹)، نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل؛ مبانی و قالب‌های فکری، تهران، انتشارات سمت.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۳ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دارالکتاب الاسلامیه.
۱۴. ظهیری‌نژاد، مهناز (۱۳۸۲)، مناسبات امام خمینی با حرکت‌ها و مبارزان اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۵. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۰)، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.
۱۶. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۷)، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.

۱۷. فروند، ژولین (۱۳۶۸)، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات رایزن.
۱۸. کریمایی، سمیه (۱۳۸۷)، «تخمین تابع تقاضای اکوتوریسم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
۱۹. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)، الکافی، تصحیح و تعلیق: علی‌اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۰. کنت گالبرایت، جان (۱۳۷۱)، آناتومی قدرت، ترجمه: محبوبه مهاجر، تهران، سروش.
۲۱. کوردا، مایکل (۱۳۷۶)، قدرت؛ چگونه آن را به‌دست آوریم و چگونه از آن استفاده کنیم، ترجمه: قاسم کبیری، تهران، ققنوس.
۲۲. لینکلن ایکاف، راسل (۱۳۸۴)، بازآفرینی سازمان، ترجمه: سیاوش مریدی، اسماعیل مردانی و دیگران، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
۲۳. محمد شریف (۱۳۸۷ق)، نهج‌البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، بیروت، دارالکتاب.
۲۴. مراسلی، علی (۱۳۷۴)، «تخمین توابع عرضه و تقاضای توریسم خارجی در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۵. ملکوتیان، مصطفی (بهار ۱۳۸۹)، «انقلاب اسلامی؛ نظام بین‌الملل و آینده‌ی غرب»، فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، شماره ۲۰.
۲۶. میرحیدر، دره (۱۳۷۷)، «ژئوپلیتیک: ارائه تعریفی جدید»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۱.
۲۷. نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت در عصر اطلاعات؛ از واقع‌گرایی تا جهانی شدن، ترجمه: سعید میرترابی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۸. هرسیچ، حسین و تویسرکانی، مجتبی (بهار ۱۳۸۹)، «تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره‌ی سوم، شماره ۹.
۲۹. وایت، بریان، لیتل، ریچارد و اسمیت، میشل (۱۳۸۱)، «دین در جهان»، ترجمه: منیژه جلالی، روزنامه همشهری.
۳۰. جمعی از نویسندگان (۱۸ و ۲۴ فروردین ۱۳۸۷)، گزارش جمهور، شماره ۲۶-۲۷، بازیابی در: www.shia-revival.com ۲۰۰۵ August ۲۱.

31. Wallerstein, Immanuel (1979), the capitalist world economy, Cambridge university.
32. Kenneth N. waltz (1979), theory of international politics new York, Randon House.
33. J.Katzenstein, Peter, "Regionalism in Comparative Perspective", ARENA Working Papers, Wp96, in the: www.arena.uio.no/publications/wp.
34. Halliday, Fred (1999), revolution and world politics, London, macmillan press.
35. Snyder, Robert (1999), the us and third world revolutionary states understanding the breakdown in relations, international studies quarterly 43.
36. Schoeman, Maxi, "south Africa as emerging middle power: 1994-2003", john Daniel, adam habib, and roger southall (eds), state of the nation: south Africa 2003-2004, (cape town: HSRC Press, 2003), p353.
37. Nye, Josephs (2004), soft power: the means to success in world politics, NewYork: public affairs.